

رویکردهای فلسفی، انتقادی و اجتماعی در اشعار کتاب کویر اندیشه حسین پژمان بختیاری

کیانوش ظفریان ریگی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۳/۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۴/۱۹

چکیده

هدف مقاله حاضر، تحلیل و بررسی رویکردهای فلسفی، انتقادی و اجتماعی در اشعار کتاب «کویر اندیشه» حسین پژمان بختیاری بوده است. این تحقیق به دنبال شناخت تأثیرات تفکرات فلسفی بر اشعار این اثر و تبیین چگونگی بیان نارضایتی‌های اجتماعی و انتقادی شاعر از شرایط زمان‌هاش بوده همچنین، این تحقیق سعی داشته است تا نقش و اهمیت این رویکردها را در فهم بهتر شعرهای بختیاری و تحولات فکری و اجتماعی عصر او نمایان می‌کند. پژوهش حاضر با استفاده از روش تاریخی - اجتماعی به دنبال پاسخگویی به این سؤال بوده که چگونه رویکردهای فلسفی، انتقادی و اجتماعی در اشعار حسین پژمان بختیاری بازتاب یافته و این رویکردها چه تأثیری بر ساختار و معنای این اشعار دارند؟ برای درک بهتر بستر اجتماعی و تاریخی که حسین پژمان بختیاری در آن زندگی کرده و اشعار خود را سروده است، این روش به تحلیل تأثیرات اجتماعی و فرهنگی زمانه شاعر بر تفکرات و مضامین اشعار وی پرداخته و نتایج نشان داده است که رویکردهای فلسفی، انتقادی و اجتماعی در اشعار حسین پژمان بختیاری باعث شده است که این اشعار از غنای معنایی بسیاری برخوردار شوند و مخاطب را به تفکر درباره مفاهیم وجودی، اجتماعی و سیاسی وادار کنند. این رویکردها نه تنها بر معنای اشعار تأثیر گذاشته‌اند بلکه ساختار آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند و موجب پیچیدگی و عمق معنایی اشعار پژمان بختیاری

^۱ - کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، zafarian@yahoo.com

شده‌اند. تأثیر اشعار او نه تنها در جنبش‌های اجتماعی آن زمان بلکه در جنبش‌های ادبی و سیاسی پس از آن نیز باقی ماند و تأثیرات بلندمدتی در تاریخ ادبیات ایران گذاشت.

کلید واژه‌ها: حسین پژمان بختیاری، شعر، رویکرد انتقادی، رویکرد فلسفی، رویکرد اجتماعی

۱. مقدمه

حسین پژمان بختیاری محقق مترجم و شاعر معاصر بود. وی اهل سرزمین بختیاری بود. در سال ۱۲۷۹ خورشیدی در محله حسن‌آباد تهران به دنیا آمد. پدر پژمان، «علیمرادخان میرپنج» از سرداران دوران مشروطه بود که در دشتک بختیاری سکونت داشت و در دوره مظفرالدین شاه برای تصدی مناصب نظامی به تهران مهاجرت کرد و صاحب عنوان لشکری میرپنج (سرتیپ) شد. مادر پژمان عالم‌تاج قائم مقامی متخلص به (ژاله) از شاعران آن زمان بود که نسبش به خاندان میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی می‌رسید. پژمان نخستین بار در شهر دشتک به مکتب خانه رفت و نزد ملاعلی بنده بهرامی‌خواندن و نوشتن آموخت. سپس در تهران در مدرسه فرانسوی «سن لویی» تحصیلات خود را ادامه داد و با زبان و ادبیات فرانسه آشنا شد. ابتدا مدتی در خدمت وزارت پست و تلگراف بود و سپس به شعر و تصنیف روی آورد. پژمان از شاعران سنت‌گرا اما نوپرداز معاصر است و در نظم و نثر آثار فراوانی را برجای گذاشت. وی در دوران پایانی عمر گرفتار بیماری و رنج ناشی از آن می‌شود و این بیماری رنج آور سال‌ها ادامه می‌یابد. سرانجام پژمان بختیاری پس از عمری درد و رنج و ناکامی، در سوم آذر ماه ۱۳۵۳ در سن ۷۴ سالگی بر اثر بیماری سرطان در تهران درگذشت. او را در قبرستان بهشت زهرا (قطعه هشت) دور از زادگاه پدری، به خاک سپردند (باستانی پاریزی، ۱۳۹۱: ۱۲).

کتاب "کویر اندیشه" نوشته‌ی حسین پژمان بختیاری یک اثر ادبی و فلسفی جایگاه ویژه‌ای در ادب فارسی دارد و از اهمیت بالایی برخوردار است. این کتاب نه تنها به دلیل ویژگی‌های هنری و ادبی خود بلکه به خاطر نگرش عمیق اجتماعی و فلسفی‌اش

به دنیای انسان‌ها، قابل توجه است. در ادامه به بیان اهمیت این کتاب و نوع نگرش اجتماعی و ادبی آن پرداخته می‌شود. که در آن نویسنده به بررسی و تحلیل اندیشه‌ها و مفاهیم مختلف انسانی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته است. این کتاب به نوعی یک سفر درونی و ذهنی به دنیای تاریک و بی‌کران کویر است که نمادهایی از بحرآن‌ها و مسائل عمیق انسانی و فلسفی را به تصویر می‌کشد. حسین پژمان بختیاری، که در حوزه‌های مختلف ادبی و فلسفی فعالیت داشته است، در این کتاب سعی دارد تا مفاهیم پیچیده‌ی انسانی و اجتماعی را از زاویه‌ای نو و متفاوت بیان کند و در آن افکار و نظریات نویسنده به شکلی هنرمندانه و پیچیده به تصویر کشیده می‌شود. این اثر، که در قالب اشعار عمیق و پرمغز نگاشته شده، بازتابی از دغدغه‌های فکری، فلسفی و اجتماعی شاعر است و تلاش می‌کند تا وضعیت انسانی و اجتماعی زمانه خود را از دریچه‌ای انتقادی و عمیق مورد کاوش قرار دهد.

اشعار او سرشار از تفکرات فلسفی است که از یک سو به عمق وجود انسان و ماهیت هستی می‌پردازد و از سوی دیگر، در مواجهه با نارسایی‌های اجتماعی و سیاسی زمانه، نقدهایی نافذ به جامعه و ساختارهای آن وارد می‌آورد. این رویکردهای فلسفی و انتقادی در کنار توجه به مشکلات اجتماعی، به ویژه در مواجهه با بحرآن‌های انسانی و هویتی، به آثار بختیاری بعدی برجستگی خاصی بخشیده است. در بعد اجتماعی، "کویر اندیشه" نقدهایی به وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ای دارد که دچار بحرآن‌های هویتی، اخلاقی و اجتماعی می‌باشد. بختیاری در این کتاب از زبان نمادهای مختلف مانند "کویر"، "بیابان" و "تاریکی" استفاده می‌کند تا وضعیت اجتماعی انسان‌ها را در شرایطی بحرانی به تصویر بکشد. این نگاه انتقادی به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی از نوعی اضطراب و ناامیدی در برابر شرایط نابرابر و مشکلات اجتماعی حکایت دارد. همچنین نویسنده به بررسی مشکلات فردی و اجتماعی می‌پردازد که در دنیای معاصر بر انسان‌ها سایه افکنده است و به نوعی از این منظر به تضادهای موجود در جامعه اشاره می‌کند. در سطح اجتماعی، شاعر نگاهی انتقادی به وضعیت اجتماعی و فرهنگی

ایران دارد و با اشاره به نابرابری‌ها، ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌های موجود، پرسش‌هایی جدی از نظم اجتماعی و انسانی مطرح می‌کند. اشعار "کویر اندیشه" به نوعی دعوت به تأمل در شرایط اجتماعی و فرهنگی روزگار خویش است و از انسان‌ها می‌خواهد که با تفکری نقادانه و فلسفی به اصلاح و بهبود وضعیت موجود بپردازند.

یکی از ویژگی‌های بارز کتاب "کویر اندیشه"، زبان پیچیده و نمادین آن است. پژمان بختیاری از قدرت زبان و ادبیات برای انتقال مفاهیم فلسفی و اجتماعی استفاده کرده است. زبان کتاب سرشار از استعاره‌ها، تصویرسازی‌ها و نمادهایی است که فضایی رمزآلود و تفکربرانگیز ایجاد می‌کند. از طرفی، سبک نوشتاری خاص و متفاوت بختیاری بر اهمیت این کتاب افزوده و آن را به یک اثر منحصر به فرد در ادب فارسی تبدیل کرده است. کتاب پژمان بختیاری در حقیقت نمایانگر وضعیت انسان معاصر است که در دنیای پر از تضادها، بحرآن‌ها و چالش‌های پیچیده زندگی می‌کند. اندیشه‌هایی که در این کتاب مطرح می‌شود، پرسش‌هایی را به وجود می‌آورد که مختص به زمانه‌ای خاص نیستند بلکه به نوعی به وضعیت بشر در طول تاریخ مرتبط هستند. این نگاه وسیع‌تر به مسائل انسانی، موجب می‌شود که کتاب از یک اثر صرفاً اجتماعی یا فلسفی فراتر رود و به‌عنوان یک اثر جاودانه در زمینه ادبیات فارسی شناخته شود. پژمان به‌ویژه بر مشکلات هویتی و بحرآن‌های اجتماعی تأکید دارد. او از این طریق نقدی بر وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه خود وارد می‌کند که در آن بسیاری از افراد از هویت واقعی خود بی‌خبرند و درگیر دروغ‌ها و تضادهای بیرونی و درونی هستند. به‌طور کلی، این کتاب یک نقد اجتماعی است که انسان‌ها را دعوت می‌کند تا از سطح ظاهری زندگی فراتر رفته و به ریشه‌های مشکلات و چالش‌های اجتماعی نگاهی عمیق‌تر داشته باشند. پژمان بختیاری در این اثر، علاوه بر ارائه یک تصویر عمیق از انسان‌ها و جامعه، خواننده را به تفکر و تأمل در مورد حقیقت و معنا دعوت می‌کند و به همین دلیل اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در ادبیات فارسی دارد.

هدف مقاله حاضر، تحلیل و بررسی رویکردهای فلسفی، انتقادی و اجتماعی در اشعار کتاب «کویر اندیشه» حسین پژمان بختیاری است. این تحقیق به دنبال شناخت تأثیرات تفکرات فلسفی بر اشعار این اثر و تبیین چگونگی بیان نارضایتی‌های اجتماعی و انتقادی شاعر از شرایط زمان‌هاش می‌باشد. همچنین، این تحقیق سعی دارد تا نقش و اهمیت این رویکردها را در فهم بهتر شعرهای بختیاری و تحولات فکری و اجتماعی عصر او نمایان کند. پژوهش حاضر با استفاده از روش تاریخی-اجتماعی به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که چگونه رویکردهای فلسفی، انتقادی و اجتماعی در اشعار حسین پژمان بختیاری بازتاب یافته و این رویکردها چه تأثیری بر ساختار و معنای این اشعار دارند؟ برای درک بهتر بستر اجتماعی و تاریخی که حسین پژمان بختیاری در آن زندگی کرده و اشعار خود را سروده است، این روش به تحلیل تأثیرات اجتماعی و فرهنگی زمانه شاعر بر تفکرات و مضامین اشعار وی خواهد پرداخت.

۲. شرایط اجتماعی و تاریخی زمان پژمان بختیاری

حسین پژمان بختیاری (۱۳۵۳-۱۳۷۹ شمسی) یکی از چهره‌های برجسته‌ی ادبیات معاصر ایران است که در دوران قاجار و پهلوی زندگی کرد. برای درک بهتر شرایط اجتماعی و تاریخی زمان او، باید به ویژگی‌های این دو دوره توجه کرد.

۱-۲. دوران قاجار

دوره قاجار یکی از پرتنش‌ترین دوره‌های تاریخ ایران بود که تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بسیاری را تجربه کرد. در این دوره، ایران با مسائل داخلی و خارجی پیچیده‌ای مواجه بود. برخی از ویژگی‌های این دوره عبارتند از:

- قدرت‌طلبی و فساد در دربار: خاندان قاجار به ویژه در نیمه دوم قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، با فساد مالی و سیاسی دست به گریبان بودند. شاهان قاجار اغلب از اقتدار مرکزی ضعیفی برخوردار بودند و در نتیجه، بسیاری از مسائل کشور به دست قدرت‌های محلی و دربارهای مختلف می‌افتاد.

- تحولات اجتماعی و فرهنگی: در دوران قاجار، ایران شاهد تحولات اجتماعی و فرهنگی مختلفی بود. از جمله این تحولات، ورود فرهنگ غربی به کشور و توسعه‌ی نظام‌های آموزشی و فرهنگی جدید بود. در همین زمان، برخی از نهادهای جدید مانند مطبوعات و مدارس به وجود آمدند که تاثیر زیادی بر روند اجتماعی و سیاسی کشور گذاشتند.

- نهضت‌های آزادی‌خواهی و مشروطه‌خواهی: در این دوره، جنبش‌های آزادی‌خواهانه مانند انقلاب مشروطه (۱۹۰۵-۱۹۱۱) به وقوع پیوست که به دنبال آن، ایران در تلاش برای رسیدن به حکومتی قانون‌مدار و دموکراتیک بود.

- چالش‌های اقتصادی: بحرآن‌های اقتصادی و وابستگی به قدرت‌های خارجی مانند انگلستان و روسیه، اقتصاد کشور را تحت تاثیر قرار داد. ایران در این دوره عمدتاً کشوری کشاورزی بود که بر منابع طبیعی‌اش تکیه داشت (شمیم، ۱۳۷۱: ۲۸۷).

۲-۲. دوران پهلوی

دوره پهلوی نیز با تغییرات و تحولات بسیاری همراه بود. این دوره که ابتدا با تأسیس حکومت پهلوی توسط رضاشاه آغاز شد، در نهایت به انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ ختم شد. از ویژگی‌های آن دوران می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- مدرنیزاسیون و نوسازی: یکی از ویژگی‌های بارز دوران پهلوی، تلاش برای مدرنیزاسیون و نوسازی بود. رضاشاه با اجرای اصلاحات در زمینه‌های مختلف مانند آموزش، بهداشت، حمل و نقل و صنعت، سعی در تغییر ساختار اجتماعی ایران داشت. این تحولات از جمله توسعه راه‌آهن، تأسیس دانشگاه تهران، تغییرات در پوشش و قوانین اجتماعی، در همین دوره به وقوع پیوست.

- استبداد و محدودیت آزادی‌ها: با وجود نوسازی‌های اقتصادی و اجتماعی، در این دوره فضای سیاسی ایران به شدت تحت کنترل بود. در دوران سلطنت محمدرضا شاه، محدودیت‌های شدیدی بر آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اعمال شد و احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف سرکوب شدند.

- وابستگی به غرب و مسئله نفت: وابستگی ایران به کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده، یکی دیگر از ویژگی‌های این دوران بود. نفت ایران نقش مهمی در اقتصاد جهانی ایفا می‌کرد و همین وابستگی به منابع نفتی، سیاست‌های داخلی و خارجی ایران را تحت تأثیر قرار داد.

- تحولات فرهنگی: در دوران پهلوی، جنبش‌های فرهنگی و هنری نیز گسترش یافت. در این زمان، نویسندگان، شاعران و هنرمندان بسیاری آثار مهمی در ادبیات و هنر خلق کردند که پژمان بختیاری نیز یکی از این شخصیت‌ها بود. او که از شاعران و ادیبان برجسته بود، با تأثیرپذیری از اوضاع اجتماعی و سیاسی زمان خود، آثارش را خلق می‌کرد (ثاقب‌فر، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

حسین پژمان بختیاری در این دو دوران زیسته است و به‌ویژه در دوره پهلوی به شهرت رسید. در دوران قاجار، او شاهد تحولات و جنبش‌های اجتماعی چون مشروطه بود و در دوران پهلوی، بر تغییرات فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بود. در این زمان، او نه تنها با مشکلات اجتماعی و سیاسی زمان خود مواجه بود بلکه در قالب آثارش، مشکلات جامعه ایران را نقد و تحلیل می‌کرد. پژمان بختیاری با دیدگاه‌های ادبی و هنری خود، سعی داشت تا مشکلات اجتماعی و فرهنگی ایران را از طریق شعر و نوشتار خود بازتاب دهد. او که از خانواده‌ای بختیاری بود، ارتباط نزدیکی با مسائل قومی و فرهنگی داشت و در همین راستا به بررسی هویت ایرانی و بحرآن‌های آن پرداخته است. شرایط اجتماعی و تاریخی دوران قاجار و پهلوی، ویژگی‌های خاص خود را داشتند و تأثیرات زیادی بر زندگی و آثار حسین پژمان بختیاری گذاشتند. دوران قاجار با بحرآن‌های سیاسی و اجتماعی همراه بود، در حالی که دوران پهلوی تحولات اقتصادی و اجتماعی را به همراه داشت اما در عین حال با سرکوب آزادی‌ها و استبداد مواجه بود. این تحولات در زندگی و آثار ادبی بختیاری به وضوح منعکس شده است (گودرزی، ۱۳۸۳: ۱۳۲-۱۱۱).

۳. نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دوران شاعر

در دوران قاجار و پهلوی، ایران شاهد نابرابری‌های گسترده‌ای در جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بود. این نابرابری‌ها باعث شد که بخش‌های زیادی از جامعه در فقر و محرومیت به سر ببرند، در حالی که نهادهای حکومتی و طبقاتی خاص، منافع خود را در دست داشتند. حسین پژمان بختیاری با آثار خود نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دوران خود را به‌خوبی منعکس کرده است. در شعرهای وی، به‌ویژه در مجموعه اشعار عاشقانه و اجتماعی، می‌توان نشانه‌های شدیدی از نارضایتی و انتقاد از وضعیت اجتماعی، فقر، ظلم و فساد سیاسی و اقتصادی یافت (فتاحی، ۱۳۹۳: ۸۴-۷۱).

۳-۱. نابرابری اجتماعی

در دوران قاجار و پهلوی، ساختار اجتماعی ایران به شدت طبقاتی بود و تفاوت‌های زیادی میان طبقات مختلف جامعه وجود داشت. جامعه ایران در این دوران به‌طور عمده بر اساس روابط سنتی و مذهبی تنظیم شده بود. در این دوران، طبقات مختلف جامعه شامل شاهان، نجبا، روحانیون، کشاورزان و کارگران بودند. نجبا و روحانیون معمولاً در موقعیت‌های بالاتری قرار داشتند و از امتیازات ویژه‌ای برخوردار بودند، در حالی که توده‌های مردم به‌ویژه در روستاها و مناطق فقیرنشین زندگی سختی داشتند (اشرف، ۱۳۶۰: ۷۱-۸۹). با روی کار آمدن پهلوی، برخی اصلاحات اجتماعی صورت گرفت که به‌طور خاص در زمینه‌های آموزشی و بهداشتی تأثیرگذار بود، اما همچنان نابرابری‌های اجتماعی به قوت خود باقی ماند. طبقه متوسط در حال رشد بود، اما طبقات پایین‌تر جامعه همچنان با مشکلات بسیاری مواجه بودند. همچنین، در این دوران، حضور اقلیت‌های قومی و مذهبی مانند کردها، ترک‌ها، عرب‌ها و به‌ویژه بهاییان و یهودیان در جامعه ایران با تبعیض‌های شدید اجتماعی همراه بود (اشرف و بنوعزیری، ۱۳۷۲: ۱۲۶-۱۰۲).

پژمان بختیاری در آثارش به‌ویژه در قالب شعرهای اجتماعی خود، به نابرابری‌های اجتماعی و بی‌عدالتی‌های اجتماعی موجود در جامعه پرداخته است. در این اشعار،

انتقادهای تند و واضحی از ساختار اجتماعی و طبقاتی جامعه قاجار و آغاز پهلوی به چشم می‌خورد.

• طبقات فقیر و محروم: پژمان بختیاری در شعرهای خود، به وضعیتی که توده‌های مردم، به‌ویژه طبقات پایین جامعه، در آن به سر می‌بردند، اشاره می‌کند. او از فقر شدید و بدبختی مردم و نبود امکانات اولیه زندگی سخن می‌گوید. اشعار او می‌تواند به‌نوعی بیانگر نارضایتی از وضعیت اجتماعی و فقر فراگیر در جامعه باشد. در برخی اشعار خود (دودکش‌ها)، به فقر و بی‌عدالتی در توزیع منابع اشاره کرده است و به‌طور خاص از فشارهایی که به طبقه کارگر و کشاورزان وارد می‌شد، سخن گفته است.

تمایزات طبقاتی: در اشعار پژمان بختیاری، تمایزات طبقاتی به‌طور برجسته‌ای دیده می‌شود. او در قالب شعر خود به‌طور غیرمستقیم نقدی به ساختار اجتماعی آن زمان وارد می‌کند که در آن نجبا، اشراف و درباریان از رفاه و امتیازاتی برخوردار بودند و توده‌های مردم در فقر و تنگدستی به سر می‌بردند. در بسیاری از اشعار، اشاراتی به ظلم طبقاتی و بی‌عدالتی‌های اجتماعی می‌شود.

۳-۲. نابرابری اقتصادی

در دوران قاجار و پهلوی، تفاوت‌های اقتصادی میان اقشار مختلف جامعه آشکار بود. اقتصاد ایران در این دوران به شدت وابسته به کشاورزی بود و بخش بزرگی از جامعه در وضعیت کشاورزی سستی و بدون حمایت‌های دولتی قرار داشتند. درآمدهای دولت عمدتاً از مالیات‌های سنگین بر مردم، به‌ویژه کشاورزان، تأمین می‌شد. علاوه بر این، بسیاری از منابع طبیعی و تجاری ایران در دست بیگانگان و نهادهای خارجی قرار داشت، که منجر به ضعف اقتصادی داخلی و فقر عمومی شد. با روی کار آمدن رضا شاه و سپس محمدرضا شاه، تغییرات اقتصادی قابل توجهی در ایران رخ داد. پروژه‌های صنعتی‌سازی و مدرن‌سازی شروع شد و در نتیجه طبقات جدید اقتصادی شکل گرفتند. با این حال، این رشد اقتصادی برای بسیاری از مردم نفع چندانی نداشت. بیشتر ثروت‌ها در دست گروه‌های خاصی قرار گرفت و فاصله طبقاتی میان فقرا و ثروتمندان

بیشتر شد. به‌ویژه در دوران محمدرضا شاه، سرمایه‌گذاری‌های زیادی در صنعت نفت صورت گرفت، اما بهره‌مندی مردم از این منابع طبیعی به میزان زیادی محدود بود (ملک محمدی، ۱۳۸۱: ۷۶-۷۳).

اقتصاد ایران در دوران قاجار و پهلوی در دست طبقات خاصی بود و پژمان بختیاری به این موضوع در اشعار خود اشاره کرده است. او به‌ویژه در اشعار انتقادی خود به چالش‌های اقتصادی جامعه پرداخته است:

• فقر و نبود عدالت اقتصادی: پژمان در بسیاری از اشعارش به مشکلات اقتصادی مردم اشاره کرده و از عدم توزیع عادلانه ثروت در جامعه سخن گفته است. در برخی از اشعار، می‌توان دید که او به‌طور خاص به شکاف طبقاتی و تفاوت‌های شدید اقتصادی میان طبقات مختلف جامعه پرداخته و این مسئله را یک‌نوع ظلم و بی‌عدالتی اجتماعی می‌داند.

• تأثیر استعمار و فساد اقتصادی: از آنجا که دوران قاجار و پهلوی تحت تأثیر استعمار و دخالت‌های خارجی بود، پژمان در برخی از اشعار خود به این موضوعات اشاره کرده است. در شعرهای وی، ایران به‌عنوان کشوری که تحت فشارهای اقتصادی و سیاسی قرار دارد و بخشی از ثروت آن به کشورهای خارجی می‌رود، به‌وضوح دیده می‌شود. پژمان به‌طور غیرمستقیم از فساد اقتصادی داخلی و وابستگی اقتصادی ایران به قدرت‌های خارجی انتقاد کرده است.

۳-۳. نابرابری سیاسی

نابرابری‌های سیاسی در دوران قاجار و پهلوی به وضوح مشاهده می‌شد و این نابرابری‌ها در کنترل قدرت و عدم دسترسی اکثریت مردم به تصمیم‌گیری‌های کلان کشور تأثیر زیادی داشت. در این دوران، قدرت سیاسی عمده‌تاً در دست شاهان قاجار و درباریان بود. فساد گسترده در دستگاه حکومتی و عدم توجه به خواسته‌های مردم باعث ایجاد نارضایتی‌های اجتماعی شد. علاوه بر این، نفوذ بیگانگان، به ویژه انگلیس و روسیه، در سیاست‌های داخلی ایران شدید بود. مردم ایران به‌طور عمده از

سیاست‌های کلان کشور بی‌خبر بودند و هیچ‌گونه مشارکت واقعی در حکومت نداشتند. با روی کار آمدن رضا شاه، ساختار حکومتی ایران به‌طور چشمگیری تغییر کرد. رضا شاه تلاش کرد تا قدرت مرکزی را تقویت کند و حکومت استبدادی را برپا کند. در دوران محمدرضا شاه نیز این روند ادامه یافت. اگرچه در این دوران ایران به‌ظاهر یک سیستم دموکراتیک داشت (با وجود انتخابات و مجلس)، اما در عمل بیشتر قدرت‌ها در دست شاه و نزدیکان او بود و هیچ‌گونه فضای واقعی برای آزادی‌های سیاسی و فعالیت احزاب مستقل وجود نداشت. مخالفان سیاسی و گروه‌های مختلف که با رژیم پهلوی مخالف بودند، تحت سرکوب و محدودیت‌های شدید قرار داشتند (اباصلتی و میرهاشم، ۱۳۸۱: ۳۴).

پژمان بختیاری به‌ویژه در اشعار خود از وضع سیاسی جامعه انتقاد کرده و به شرایط سیاسی ایران در دوران قاجار و پهلوی پرداخته است:

• استبداد سیاسی و فساد در حکومت: پژمان به شدت از فساد سیاسی و استبداد حاکمان در دوران قاجار و آغاز پهلوی انتقاد کرده است. در اشعار او، همواره اشاره‌هایی به فساد دربار، ظلم و استبداد شاهان و درباریان وجود دارد. او به‌ویژه در قالب شعرهای اجتماعی خود، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از نبود آزادی‌های سیاسی و اجتماعی انتقاد کرده است.

• شعارهای آزادی‌خواهی: در دوران مشروطه، بسیاری از شاعران و نویسندگان به‌ویژه از طبقات روشنفکری از نظام استبدادی قاجار انتقاد می‌کردند و در این میان پژمان بختیاری نیز همراه با دیگر شاعران و روشنفکران آن دوران خواهان اصلاحات و ایجاد تغییرات سیاسی در کشور بود. در برخی از اشعار او، حتی می‌توان ردپای این خواسته‌ها را دید، هرچند که به‌طور مستقیم وارد سیاست نشده است.

• شکایات از سیاست‌های خارجی: پژمان بختیاری از سلطه و نفوذ کشورهای بیگانه در سیاست‌های ایران نیز انتقاد کرده است. او به‌ویژه از دخالت‌های انگلیس و روسیه در

امور داخلی ایران به شدت انتقاد کرده و این موضوع را به عنوان یکی از عواملی می‌داند که بر نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی افزوده است.

دوران قاجار و پهلوی هر دو شاهد نابرابری‌های گسترده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بودند. در دوران قاجار، نابرابری‌ها بیشتر به صورت طبقاتی و سستی بودند، در حالی که در دوران پهلوی، این نابرابری‌ها با صنعتی‌سازی و مدرن‌سازی همراه بود، اما همچنان بسیاری از مردم از مزایای اقتصادی و سیاسی بهره‌ای نمی‌بردند. پژمان بختیاری در اشعار خود به‌ویژه از تمایل به عدالت‌خواهی و آگاهی اجتماعی سخن گفته است. او با بهره‌گیری از زبان ساده و زیبا، نابرابری‌های اجتماعی و فسادهای اقتصادی و سیاسی را به تصویر کشیده است. اشعار او عمدتاً حالت انتقادی دارند و از طریق استفاده از شعر به عنوان ابزاری برای بیان اعتراض و نارضایتی از وضع موجود، به‌ویژه در قالب اشعار اجتماعی و سیاسی، به ظلم و بی‌عدالتی‌های موجود اشاره می‌کند. حسین پژمان بختیاری با استفاده از زبان شعر، به‌ویژه در قالب اشعار اجتماعی و سیاسی، نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دوران قاجار و آغاز پهلوی را به تصویر کشیده است. او در اشعار خود به فقر، فساد اقتصادی، استبداد سیاسی و بی‌عدالتی‌های اجتماعی انتقاد کرده و خواسته‌های اجتماعی و سیاسی خود را به‌طور غیرمستقیم بیان کرده است. «آثار او به عنوان یک سند ادبی، نه تنها ویژگی‌های زیبایی‌شناسی شعر فارسی را به نمایش می‌گذارند» (محمدخانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۸-۵۷)، بلکه به عنوان یک ابزار انتقادی در مقابل ظلم و فساد اجتماعی و سیاسی نیز عمل کرده‌اند.

۴. تحلیل نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در اشعار پژمان بختیاری

اشعار پژمان بختیاری، که به‌طور عمده در زمینه زندگی روزمره، مسائل اجتماعی و سیاسی سروده شده‌اند، به وضوح نشان‌دهنده نگرانی‌هایی در زمینه نابرابری‌های اقتصادی است. در بسیاری از اشعار این شاعر، پژمان بختیاری با نگاهی انتقادی به تفاوت‌های طبقاتی و اقتصادی در جامعه می‌نگرد و به توصیف فقر، استثمار و تبعیض اقتصادی می‌پردازد. - در اشعار پژمان، به‌ویژه در اشعار حماسی و اجتماعی، مفاهیمی

چون "گدا" (فقیر) و "پولدار" (ثروتمند) به طور مستقیم یا غیرمستقیم بیان می شود. این تفاوت ها نمایانگر تضادهای اقتصادی موجود در جامعه است. در اشعار او، گاهی فقرا به عنوان کسانی که در زنجیر فقر گرفتار شده اند، مورد نقد قرار می گیرند، در حالی که ثروتمندان و صاحبان قدرت به عنوان افرادی که از زحمات دیگران بهره برداری می کنند، نمایش داده می شوند. در برخی اشعار بختیاری، می توان شاهد انتقاد از نابرابری های اقتصادی بود، مانند اشاره به زندگی سخت مردم در برابر زندگی راحت ثروتمندان و دلالتان. بختیاری با استفاده از تصاویری از فقر و تلاش برای روزی به گونه ای شاعرانه به خوانندگان خود هشدار می دهد که جامعه باید به فکر عدالت اقتصادی باشد.

دودکش ها

دودکش ها بر فراز بام ها	هر نفس آهی ز دل بر می کشند
وز دهان قیرگونشان دودها	زاغ وش بر آسمان پر می کشند
رنگ این سرخ است و رنگ آن کبود	دود این تیره ست و دود آن سپید
با زبانی بی زبان این دودها	نغمه ها دارند و نتوانی شنید
آن یکی از پهن خوان منعمان	داستان عز و و نیاز آرد ترا
وین یکی از مطبخ بیچارگان	قصه فقر و نیاز آرد ترا
این یکی گوید در آن بستانسرا	گر به و سگ هم بنواز آموخته است
آن یکی گوید درین ویرانه جای	کودکان را جان ز حسرت سوخته است
آن یکی گوید در آن خرم بهشت	عالمی شادی نگر، مستی ببین
این یکی گوید در این ما تمکده	معنی فقر و تهیدستی ببین
نی غلط گفتم غلط کان دودها	ز آنهمه فقر و غنا دلخسته اند
از درون تیره جانان قصه ها	بر زبان دارند و لبها بسته اند
بسته گوش و بسته لب خاموش و نرم	در هم آمیزند و نا پیدا شوند
زین نواها گوش چرخ آکنده است	پس چرا این دودها گویا شوند

در شعر فوق، شاعر نابرابری‌های اجتماعی و تفاوت‌های طبقاتی را در قالب تفاوت دودهایی که از خانه فقرا و اغنیا بلند می‌شود؛ بسیار زیبا و شیوا بیان نموده است. یکی دیگر از مسائل کلیدی در اشعار پژمان بختیاری، نابرابری‌های طبقاتی است. در این اشعار، به وضوح طبقات اجتماعی مختلف و تفاوت‌های شدید میان آن‌ها مطرح می‌شود. وی اغلب به نقد ساختارهای طبقاتی و مفاهیم قدرت و سلطه‌ای که طبقات بالا اعمال می‌کنند، پرداخته است. - در شعر «خدای عدل»، پژمان بی‌عدالتی را به گونه‌ای زیبا و فصیح بیان نموده و از کسانی که در طبقات بالای جامعه قرار دارند به‌عنوان افرادی یاد می‌کند که «در سایه قدرت و پول» خود، نه تنها مردم را به فراموشی و نادیده گرفتن دردهای طبقات پایین سوق می‌دهند، بلکه با استفاده از رانت‌های اقتصادی، وضعیت را به‌طور سیستماتیک به‌نفع خود حفظ می‌کنند. در شعر «تقدیر» بیان نموده که با اربابان زر و زور و طبقات حاکم بر جامعه نمی‌توان درافتاد.

دانی که خدای عدل کورست	کورست و ز حب و بغض دورست
شمشیر عدالتش بود تیز	تیزست همان مشام او نیز
زانجا که مقام کبریا نیست	دلخور ز شمیم بی‌دوائی است
القصه خدای عدل پیوست	آنسو گرود که زور و زر هست

پژمان با اشاره به مشکلات و محرومیت‌های طبقات پایین‌تر جامعه، انتقاداتی تند به طبقات بالای اجتماعی وارد می‌کند. این اشعار نشان می‌دهند که چگونه ساختارهای اجتماعی و سیاسی به حفظ وضعیت طبقاتی موجود کمک کرده و طبقات پایین‌تر را در وضعیت‌های سخت‌تری قرار می‌دهند. در واقع، پژمان بختیاری در اشعار خود از تحقیر فقرا و محرومیت‌های آنان سخن می‌گوید و به‌طور غیرمستقیم، به دنبال چالش با نظام طبقاتی حاکم است.

نه پنجه بسر پنجه تقدیر توان کرد نه چاره تقدیر به تدبیر توان کرد

یک شکوه دوصد عقده گشاید زدل ای دوست اما بکجا شکوه ز تقدیر توان کرد
سر پنجه فولادی تقدیر نه دستی است کاندر بر او دست به شمشیر توان کرد
چنگال قوی دارد و دندان جگر خای بیچاره، مگر عربده با شیر توان کرد

در کنار نابرابری‌های اقتصادی و طبقاتی، پژمان بختیاری در اشعار خود به مشکلات فرهنگی و اجتماعی نیز اشاره دارد. این اشعار عمدتاً به بی‌عدالتی‌های آموزشی، تبعیض‌های فرهنگی و مشکلات اجتماعی در سطح کلان می‌پردازند:

• بی‌عدالتی آموزشی: پژمان بختیاری در برخی اشعار خود به این نکته اشاره می‌کند که تنها اقشار خاصی از جامعه از امکانات آموزشی مناسب برخوردار هستند و این مسئله باعث تحقیر و بی‌عدالتی میان گروه‌های مختلف اجتماعی می‌شود. او در این زمینه نقدی به سیستم آموزشی جامعه دارد که قادر به پوشش نیازهای همه اقشار نیست و بیشتر به نفع کسانی است که در طبقات بالاتر قرار دارند.

• تبعیض‌های فرهنگی: در برخی اشعار، پژمان بختیاری به تفاوت‌های فرهنگی میان گروه‌های اجتماعی و تهدیدهایی که این تفاوت‌ها برای هویت فرهنگی مردم ایجاد می‌کند، پرداخته است. او در این اشعار با بی‌عدالتی‌های فرهنگی و اجتماعی مبارزه می‌کند و خواستار توجه به تفاوت‌های فرهنگی و احترام به هویت‌های مختلف است.

اشعار پژمان از زاویه‌ای انتقادی به نابرابری‌های اجتماعی می‌نگرند و از این طریق نه تنها به مسائل اقتصادی، طبقاتی و فرهنگی پرداخته، بلکه از بی‌عدالتی‌های اجتماعی و نابرابری‌هایی که در این زمینه‌ها وجود دارد، سخن می‌گویند. او با استفاده از زبان شعر و استعاره‌های غنی، سعی می‌کند تا آگاهی اجتماعی ایجاد کرده و برای ایجاد تغییرات اجتماعی و عدالت بیشتر در جامعه تلاش کند.

۵. تصویرسازی‌های شعری حسین پژمان بختیاری در زمینه نابرابری‌های اجتماعی

او در شعرهای خود از تصویرسازی‌های شاعرانه، استعاره‌ها، و نمادها به شکلی خلاقانه استفاده کرده است تا مشکلات اجتماعی و نابرابری‌های موجود در جامعه را به تصویر

بکشد. در اینجا به بررسی تکنیک‌های شعری بختیاری در زمینه نابرابری‌های اجتماعی و تحلیل چگونگی استفاده از زبان و فرم شعری برای بیان اعتراض و نقد اجتماعی پرداخته می‌شود.

۱-۵. تصویرسازی‌های شعری در نابرابری‌های اجتماعی

پژمان بختیاری در شعرهای خود از تصویرسازی‌های قدرتمند استفاده کرده است تا نابرابری‌های اجتماعی را در قالب تصاویر و احساسات ملموس برای خواننده ترسیم کند. این تصویرسازی‌ها غالباً به نوعی برش‌هایی از واقعیت‌های اجتماعی هستند که در آن‌ها تضادهای طبقاتی، بی‌عدالتی و ظلم به وضوح مشاهده می‌شود (داودی و کاوس زاده، ۱۴۰۳: ۱۵-۱). برخی از این تصویرسازی‌ها عبارتند از:

- تصویرسازی‌های انسانی: پژمان در بسیاری از اشعار خود انسان‌ها را در وضعیت‌های ناعادلانه و سخت به تصویر می‌کشد. او اغلب تصاویری از افراد فقیر، کارگران و کسانی که در زیر بار مشکلات اقتصادی و اجتماعی قرار دارند، خلق می‌کند. این تصاویر به گونه‌ای هستند که خواننده می‌تواند به راحتی با وضعیت آن‌ها هم‌ذات‌پنداری کند و درد و رنجشان را احساس کند.

- تصویرسازی‌های طبیعت و محیط اجتماعی: پژمان بختیاری از طبیعت به عنوان یک ابزار برای به تصویر کشیدن وضعیت‌های اجتماعی بهره می‌برد. به عنوان مثال، در برخی از اشعارش، رودخانه‌ها، کوه‌ها، یا حتی فصول مختلف سال به عنوان نمادهایی از تغییرات اجتماعی و یا ایستایی و سکون در جامعه به کار می‌روند. این تصویرسازی‌ها می‌توانند نمایانگر ظلم‌های پنهان یا وضعیت‌های نابرابر و به‌شدت ستمگرانه در سطح اجتماعی باشند.

۲-۵. استعاره‌ها و نمادها در شعر بختیاری

حسین پژمان بختیاری در شعرهای خود به طور گسترده از استعاره‌ها و نمادها برای نقد اجتماعی استفاده کرده است. این تکنیک‌ها به او این امکان را می‌دهند که معانی

عمیق‌تری را در قالب‌های ساده‌تر به مخاطب منتقل کند (داودی و کاوس‌زاده، ۱۴۰۳: ۱۵-۱). برخی از مهم‌ترین استعاره‌ها و نمادهای او عبارتند از:

• استعاره‌های مربوط به ظلم و بی‌عدالتی: بختیاری گاهی از نمادهایی چون «زن‌جیر»، «زخم»، «شکنجه» و «فقر» برای اشاره به نابرابری‌های اجتماعی استفاده می‌کند. این استعاره‌ها به‌طور غیرمستقیم ظلم و بی‌عدالتی را در جامعه به تصویر می‌کشند و تأکید بر تداوم این وضعیت‌ها دارند.

• نمادهای طبیعت و تغییرات اجتماعی: بختیاری از نمادهایی چون «باران»، «باد»، «آتش» و «گلاب» برای نمایاندن تحولات اجتماعی یا احساسات درونی افراد در مواجهه با این تحولات بهره می‌برد. به‌طور خاص، این نمادها می‌توانند به گونه‌ای به ظلم و رنج‌های ناشی از نابرابری‌های اجتماعی اشاره کنند.

۳-۵. زبان و فرم شعری برای اعتراض و نقد اجتماعی

زبان و فرم شعری که پژمان بختیاری انتخاب کرده است، به گونه‌ای است که به راحتی می‌تواند اعتراضات اجتماعی را بیان کند. او از زبان ساده و در عین حال عمیق استفاده می‌کند تا مفاهیم پیچیده اجتماعی را به شکلی در دسترس قرار دهد. (مشرف، ۱۳۸۴: ۱۴۶-۱۳۱)

برخی از ویژگی‌های زبان و فرم شعری بختیاری در این زمینه عبارتند از:

• زبان محاوره‌ای و عاطفی: پژمان گاهی از زبان محاوره‌ای برای ارتباط با خواننده استفاده می‌کند. این زبان به‌ویژه در اشعار انتقادی او بسیار مؤثر است، زیرا به خواننده این امکان را می‌دهد که به راحتی با موضوعات اجتماعی مورد اشاره در شعر هم‌ذات‌پنداری کند.

• ریتم و موسیقی شعر: فرم شعری پژمان بختیاری به گونه‌ای است که ریتم و موسیقی آن گاهی تأکید بیشتری بر پیام‌های اجتماعی می‌گذارد. او با استفاده از اوزان مختلف و تغییرات در ریتم، می‌تواند تنش‌ها و نابرابری‌های موجود در جامعه را به نوعی در شعرش به گوش خواننده برساند.

• شکستن قالب‌های سنتی: در برخی از آثار بختیاری، به‌ویژه در دوران معاصر، او از ساختارهای آزادتر شعری بهره برده است تا بتواند به طور مؤثری با موضوعات اجتماعی انتقادی و اعتراض‌آمیز برخورد کند. این آزادی در فرم و شکستن قالب‌های سنتی شعری، باعث شده است که شعرهای او بیشتر به نقد وضعیت‌های اجتماعی و سیاسی پرداخته و پاسخگوی تحولات زمانه باشد.

داشتم دی بطرف کرکس کوه	عالمی بین شادی و اندوه
کوه را تیره و درم دیدم	سنگ بسیار و سبزه کم دیدم
نوگلی چون سپیده دم ناگاه	شد عیان زیر سنگهای سیاه
ساقه باریک و بوته پژمرده	برگ‌ها چون حریر چین خورده
پشت گلبرگ‌ها سیاه و کبود	او گلی رسته در جهنم بود
دوزخ آسا سیاه جایی داشت	از جهنم بتر هوایی داشت
نه نسیم خوش و نه آب آنجا	آتش افشانده آفتاب آنجا
گفتم ای تازه روی روح انگیز	وقت تنگ است و عمر کوتاه خیز
تا به عشرت سرای خود برمت	بدلارام خویش بپرمت
جا به گلدانی از بلور کنی	خانه را پر ز آب و نور کنی
هست راضی دلت بدین یا نه؟	پر برافشانند نرم و گفتا: نه
سخت حیران شدم از آن پاسخ	به گفتم ای زشت فکر زیبا رخ
اندرین کوهسار دوزخ رنگ	تشنه لب هشته سر بسینه سنگ
مایه عیش و موجب شادی	چیست؟ خندید و گفت آزادی
عطر جان نور دیده‌ی دارم	جنس ارزان خریدی‌دهی دارم
گر بسوزم از تشنگی غم نیست	ز آنکه آزادم آخر این کم نیست
من درین محنت آشیان شادم	در بلا راحت‌م که آزادم

حسین پژمان بختیاری یکی از شاعران و نویسندگان برجسته معاصر ایران است که آثارش به‌ویژه در دوران مشروطه، به‌طور گسترده‌ای به مسائل اجتماعی و سیاسی پرداخته‌اند. در این زمینه، تحلیل پیام‌هایی که او در اشعار خود به جامعه می‌دهد، به‌ویژه در خصوص نابرابری‌ها، تغییرات اجتماعی و تأثیرات آن‌ها بر جنبش‌های اجتماعی و ادبی، می‌تواند به فهم بهتری از نقش او در تاریخ فرهنگی و اجتماعی ایران کمک کند. حسین پژمان بختیاری در اشعار خود نسبت به نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی حساسیت زیادی نشان داده است. او به‌ویژه در دوران مشروطه که جامعه ایران با بحرآن‌های اجتماعی و سیاسی دست‌وپنجه نرم می‌کرد، در اشعارش بر لزوم عدالت اجتماعی و مقابله با فساد تأکید داشت. بسیاری از اشعار او به‌طور غیرمستقیم انتقادهایی به حکام فاسد و نابرابری‌های اجتماعی در جامعه ایرانی دارد. پژمان بختیاری از زبان اشعار خود نارضایتی مردم از ظلم و بی‌عدالتی را بیان می‌کند. در اشعارش، فقر، ظلم، و فساد به‌عنوان موانع بزرگ بر سر راه پیشرفت و رفاه اجتماعی مطرح شده‌اند. او در تلاش بوده است تا از طریق شعر، پیام‌هایی از بیداری اجتماعی و تغییرات اجتماعی به خوانندگان خود منتقل کند. در این میان، پژمان از ابزارهای بلاغی و استعاری برای نقد اجتماعی استفاده می‌کند تا به‌صورت غیرمستقیم فشارهای اجتماعی را بر دوش حکومت‌ها و طبقات بالای جامعه بگذارد.

اشعار حسین پژمان بختیاری نه‌تنها به‌طور مستقیم به نقد نابرابری‌ها می‌پردازد، بلکه در بطن خود دعوتی به حرکت اجتماعی و تغییرات سیاسی دارد. بختیاری از شعر به‌عنوان ابزاری برای تحریک احساسات و افکار عمومی استفاده کرده است. شعر او توانسته است به‌طور غیرمستقیم افراد را به فکر تغییرات در جامعه بیندازد و نشان دهد که از طریق آگاهی و اتحاد می‌توان تغییرات بنیادینی در ساختار اجتماعی و سیاسی ایجاد کرد. در اشعار بختیاری، تلاش برای آگاهی بخشی به مردم و القای این پیام که آن‌ها می‌توانند از وضعیت نابرابر خود خارج شوند، آشکار است. این اشعار به‌ویژه در دوران

مشروطه که مردم در پی تغییرات سیاسی و اجتماعی بودند، به‌عنوان یکی از عوامل انگیزشی برای جنبش‌های مردمی و سیاسی به‌شمار می‌آمد.

حسین پژمان بختیاری نه‌تنها در عرصه شعر بلکه در جنبش‌های اجتماعی و ادبی دوران مشروطه نقش مؤثری ایفا کرد. اشعار او در کنار دیگر آثار ادبیات مشروطه‌خواه، به‌ویژه در کنار اشعار شعرای معاصر چون عارف قزوینی و ملک‌الشعرا بهار، بخش مهمی از فضای اجتماعی و فرهنگی آن دوران را تشکیل داد. در جنبش مشروطه، شعر به‌عنوان ابزاری برای انتقال پیام‌های انقلابی و بیداری اجتماعی نقش برجسته‌ای داشت. اشعار بختیاری به‌طور خاص در تقویت این جنبش و جلب توجه عمومی به مسائل اجتماعی و سیاسی مؤثر بود. پیام‌های بختیاری در اشعارش به‌ویژه بر اهمیت آگاهی و همبستگی مردم در برابر ظلم و فساد تأکید داشت و می‌توانست برای مردمی که در پی تغییرات اجتماعی و سیاسی بودند، انگیزه‌ای برای فعالیت‌های سیاسی ایجاد کند. تأثیرات بلندمدت این اشعار را می‌توان در جنبش‌های اجتماعی و ادبی پس از مشروطه نیز مشاهده کرد. اشعار بختیاری با پیوند دادن مسائل اجتماعی به شعر و ادبیات، باعث شد که شعر به‌عنوان ابزاری برای نقد اجتماعی و سیاسی مورد استفاده قرار گیرد. این تأثیر در آثار شاعران و نویسندگان بعد از او، به‌ویژه در دوره‌های مختلف انقلاب‌ها و تحولات اجتماعی، ادامه پیدا کرد.

۷. نتیجه‌گیری

اشعار بختیاری از زاویه‌ای انتقادی به نابرابری‌های اجتماعی می‌نگرند و از این طریق نه‌تنها به مسائل اقتصادی، طبقاتی و فرهنگی پرداخته، بلکه از بی‌عدالتی‌های اجتماعی و نابرابری‌هایی که در این زمینه‌ها وجود دارد، سخن می‌گویند. او با استفاده از زبان شعر و استعاره‌های غنی، سعی می‌کند تا آگاهی اجتماعی ایجاد کرده و برای ایجاد تغییرات اجتماعی و عدالت بیشتر در جامعه تلاش کند. حسین پژمان بختیاری با استفاده از تصویرسازی‌های شاعرانه، استعاره‌ها، نمادها و زبان ساده و مؤثر، توانسته است نابرابری‌های اجتماعی را در آثار خود به شکلی قابل لمس و ملموس به تصویر بکشد.

از آنجا که زبان و فرم شعری او به شدت وابسته به حساسیت‌های اجتماعی و سیاسی زمان‌هاش است، می‌توان گفت که اشعار او به نوعی اعتراض به ظلم، بی‌عدالتی و نابرابری‌های موجود در جامعه هستند. حسین پژمان بختیاری با اشعار خود، به‌ویژه در دوران مشروطه، نقشی حیاتی در نقد نابرابری‌ها و فساد اجتماعی ایفا کرد. او از طریق شعرهای خود پیام‌هایی از آگاهی اجتماعی و ضرورت تغییرات اجتماعی به جامعه منتقل کرد و توانست مردم را به اندیشیدن درباره وضعیت موجود و تغییر آن تشویق کند. رویکردهای فلسفی، انتقادی و اجتماعی در اشعار حسین پژمان بختیاری باعث شده است که این اشعار از غنای معنایی بسیاری برخوردار شوند و مخاطب را به تفکر درباره مفاهیم وجودی، اجتماعی و سیاسی وادار کنند. این رویکردها نه تنها بر معنای اشعار تأثیر گذاشته‌اند بلکه ساختار آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند و موجب پیچیدگی و عمق معنایی اشعار پژمان بختیاری شده‌اند. تأثیر اشعار او نه تنها در جنبش‌های اجتماعی آن زمان بلکه در جنبش‌های ادبی و سیاسی پس از آن نیز باقی ماند و تأثیرات بلندمدتی در تاریخ ادبیات ایران گذاشت.

منابع

- اباصلتی، پری؛ میرهاشم، هوشنگ. (۱۳۸۱). *اردشیر زاهدی، رازهای ناگفته*. چاپ اول، انتشارات به آفرین.
- اشرف، احمد. (۱۳۶۰). *«مراتب اجتماعی در دوران قاجاریه» در کتاب آگاه: مسائل ایران و خاورمیانه*. تهران: انتشارات آگاه.
- اشرف، احمد؛ بنوعیزی، علی. (۱۳۷۲). *«طبقات اجتماعی در دوره پهلوی»* ترجمه عماد افروغ، راهبرد، سال ۲، شماره ۲ صص ۱۰۲-۱۲۶. ۴۳۴۹۱۴ / fa
<https://sid.ir/paper/>
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. (۱۳۹۱). *دیوان پژمان بختیاری؛ با مقدمه دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی*؛ تهران؛ نشر پارسا؛ چاپ اول.

- پژمان بختیاری، حسین. (۱۳۴۹). *کویر/اندیشه؛ تهران: انتشارات ابن سینا.*
- ثاقب‌فر، مرتضی؛ کرونین، استفانی. (۱۳۸۲). *رضا شاه و شکل‌گیری ایران نوین، تهران: نشر جامی.*
- داودی، شکیب و کاوس‌زاده، همیلا. (۱۴۰۳). *جلوه‌های ادبیات آئینی در اشعار داراب افسر و حسین پژمان بختیاری، سومین همایش بین‌المللی ادبیات، زبان‌شناسی و علوم انسانی، همدان، صص ۱۵-۱. <https://civilica.com/doc/۲۰۴۳۹۱۹>*
- شمیم، علی‌اصغر. (۱۳۷۱). *ایران در دوره سلطنت قاجار. تهران: انتشارات علمی.*
- فتاحی، قاسم. (۱۳۹۴). *پیوند تاریخ و ادبیات در کویر اندیشه پژمان. مجله: نقد کتاب تاریخ، شماره ۸، صص ۷۱-۸۴. <https://www.magiran.com/author>*
- گودرزی، حسین. (۱۳۸۳). *هویت ملی در شعر پژمان بختیاری. مجله: مطالعات ملی، شماره ۲۰، صص ۱۱۱-۱۳۲. <https://www.magiran.com/author>*
- محمدخانی، فرامرز، نیک‌خواه، مظاهر؛ خسروی، حسین. (۱۳۹۹). *بررسی سبک‌شناسی غزلیات حسین پژمان بختیاری. سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی (بهار ادب)، ۱۳(۱۰) (پیاپی ۵۶)، صص ۵۷-۷۸. <file:///C:/Users/laptop۲۸۹۱۳۹۹۵۶۰۴.pdf>*
- مشرف، مریم. (۱۳۸۴). *موسیقی و تخیل در شعر پژمان بختیاری، مجله: پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۴، صص ۱۳۱-۱۴۶.*
- ملک‌محمدی، حمیدرضا. (۱۳۸۱). *از توسعه‌ی لرزان تا سقوط شتابان، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.*